



گفتگو

- گفتگو با دکتر سیروس امیری / علی دهباشی
- گفتگو با کریستوفر دی بلاگ / علی دهباشی
- بخشی از کتاب در گلستان شهدا / خجسته کیهان

— تئوری جنابعالی در تالیف و تدوین کتاب «شتاب فن آوری و آینده بشر» چه بوده است؟

دکتر سیروس امیری: البته من نظریه پرداز نیستم که تئوری داشته باشم. منظور من فقط برای آگاهی و روشن کردن هموطنان است، چه آنهایی که در رأس کارها هستند و چه مردم عادی، تا بدانند که دنیای دانش در کدام جهت به پیش می‌رود.

— آیا رشد صنعت و فن آوری برای آینده بشر دستاوردهای معنوی به همراه خواهد داشت؟

در پاسخ به این پرسش من این سوال را از شما می‌کنم: معنویت در غرب پیشرفته بیشتر است یا در شرق عقب مانده؟

ریشه تمام پیشرفت‌ها و یا عقب ماندگی‌ها در داشتن و یا نداشتن یک کلمه خلاصه می‌شود و آن کلمه آزادی است و در دیکتاتوری هیچ چیز شکوفا نمی‌شود.

شما به نقشه جغرافیا نگاه کنید و به من نشان دهید کدام یک از کشورهایی که با روش استبداد اداره می‌شود توانسته است به جایی برسد و یا میزان دروغ گفتن — فحشاء — اعتیاد — دزدی و رشوه در کدام یک از کشورهای آزاد بیشتر از کشورهای نیمه آزاد و یا استبدادی می‌باشد؟

در آزادی فکرها بازتر و فرصت شکوفائی و مجال توسعه پیدا می‌کند. سوء استفاده و زورگویی افراد و موسسات وابسته به قدرت حاکم و وابستگان و کارمندان دولت از بین می‌رود و یا به حداقل می‌رسد. احترام به قانون بیشتر می‌شود، چون در سیستم مردم سالاری، این مردم هستند که قوانین را وضع می‌کنند و یا آنرا تغییر می‌دهند، لذا با رغبت از آن پیروی می‌کنند. به عبارت دیگر حکومت در خدمت مردم و آسایش او قرار می‌گیرد و خانواده‌ها فرصت - حوصله و رغبت آن را پیدا می‌کنند تا معنویات را در چهار دیواری خود به فرزندان خود آموزش دهند و در نتیجه اخلاق بارورتر و جامعه معنوی‌تر می‌شود

**— در دنیای ما چه چیز سبب بقاء کشورها می‌شود ثروت — قدرت نظامی یا سرزمین‌های وسیع؟**

هیچکدام از عوامل یاد شده نقش چندانی ندارند. بر روی کره خاکی ما، هیچ کشوری به اندازه شوروی سابق ثروت نداشت (نفت - طلا - اورانیوم و جنگل). فاصله نیویورک تا مسکو کمتر از فاصله مسکو تا انتهای شرقی همان کشور بود، ولی چون آزادی نداشتند شکوفائی علمی پیدا نکردند و به فقر اقتصادی گرفتار شدند و سرانجام به ۱۷ کشور تجزیه شد. به سایر کشورها که ثروت ملی زیاد و یا سرزمین‌های وسیع دارند نگاه کنید وضع آن‌ها هم بهتر از شوروی نیست:

نیجریه = نفت

اندونزی = چوب گرانبها

آفریقای جنوبی = طلا و الماس

برزیل = معادن، جنگل و سرزمین وسیع و مطالعات فزاینده

آرژانتین = سرزمین وسیع و پر حاصل

کنگو = معادن جواهر و سنگ‌های قیمتی

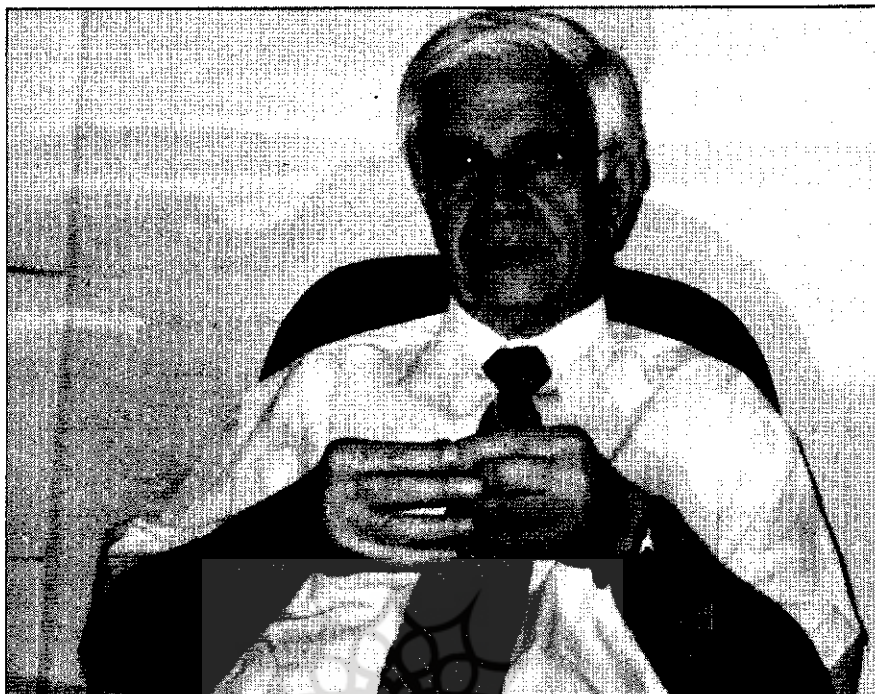
مکزیک = نقره و نفت

کلمبیا = نفت

عربستان سعودی = نفت

ونزوئلا = نفت

برای یک لحظه هم که شده چشمهای خود را ببندید و تصور کنید: اگر نفت عربستان سعودی همین امروز تمام شود، مردم آن‌جا چگونه زندگی خواهند کرد. هر جا که آزادی نیست دانش نیست و چون دانش نیست اختراع و کشف و رشد علمی نیست، در نتیجه چیزی برای عرضه کردن در دسترس نیست - اگر عربستان به این روش ادامه دهد، پس از اتمام نفت، به علت فقر



بسیار چشم‌گیر، جنگ‌های قبیله‌ئی، غارت و دزدی، معنویات در آن جا به حداقل خواهد رسید و این همان جوابی است که درباره ارتباط فن‌آوری و معنویات کردید. ناگفته نماند که بزودی ارزش نفت به عنوان ماده سوخت در خودروها پائین خواهد آمد، چون پروژه‌های استفاده از برق و گاز - هیدروژن مایع در حال پیاده شدن است، ولی بازار آن در صنعت پتروشیمی گرم خواهد بود. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تال جامع علوم انسانی  
 - در حال حاضر بعد از موفقیت کتاب «شتاب فن‌آوری و آینده بشر» در فکر تألیف دیگری نیستید؟

کتاب دیگری نیز نوشته‌ام که عنوان آن «دانش - تغذیه - ورزش» است. در این کتاب که از ژرفای پژوهش‌ها و نوشتارهای تازه بهره برده‌ام، نکات تازه به چشم می‌خورد که هنوز وارد کتاب‌های پزشکی نشده است. این کتاب که دو سال روی آن کار کرده‌ام، اکنون چند ماه است که در وزارت ارشاد در انتظار نوبت بررسی برای اجازه چاپ است. کتاب شتاب فن‌آوری نیز چندین ماه در وزارت ارشاد مانده بود

با شتاب بی‌مانندی که دانش امروز پیشرفت می‌کند، انتظار چند ماهه به منزله چند سال می‌ماند و چه بسا که برخی از نوشته‌های علمی و آمارها کهنه می‌شوند. کتاب بیل کلیستون رئیس

جمهور سابق امریکا، پس از آنکه اعلام کردند آماده رفتن به چاپخانه است هفتصد و پنجاه هزار جلد پیش فروش شد. ناگفته نماند که در آنجا کتاب از روی میز نویسنده مستقیماً به چاپخانه می‌رود و تشکیلاتی وجود ندارد که نوشته‌ها را بررسی کرده و اجازه چاپ بدهد. اجتماع دنیای آزاد در واقع وزارت ارشاد آنها می‌باشد. بدین معنا اگر مطالب کتاب مهمل و بی‌ارزش باشد ملت از خرید آن روی گردان می‌شود، در نتیجه، کتاب خودبخود از گردونه خارج می‌شود و دیگر احتیاج به بررسی و حذف زواید و حواشی در مرحله پیش از چاپ وجود ندارد، و اما در پاسخ پرسش شما باید بگویم که گمان نمی‌کنم حوصله نوشتن کتاب دیگری را داشته باشم چون کتاب‌هایی که مطالب علمی روز داشته باشند همانند شاخه‌های گل می‌مانند که حوصله و فرصت صبر کردن را ندارند و پژمرده می‌شوند. آن همه زحمت و آخر سر در دست داشتن گل پژمرده ابداً خوش آیند نمی‌باشد. این گونه سر خوردن‌ها کمترین پدیده اجتماعات مانند ایران است که حتی ذوق نوشتن کتاب‌های علمی را از دست نویسنده آن می‌گیرد.

#### — آیا سیاست‌های خارجی‌ها مانع رشد کشورهای پس مانده شده است؟

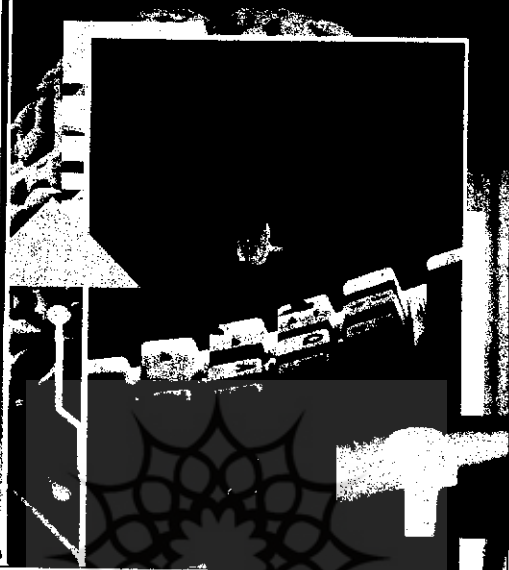
این گونه برداشت‌ها همه عذرهای بدتر از گناه بوده و برای خالی کردن شانه از زیر بار مسئولیت است. مسلماً خارجی‌ها می‌خواهند در همه جا دخالت کنند، اگر دخالت نکنند احمق هستند. ما هم اگر توانائی آن را داشته باشیم همین کار را می‌کنیم. در مجله شما از قول یک سیاستمدار انگلیسی می‌خواندم که گفته بود: ما در امور داخلی کشورها دخالت نمی‌کنیم بلکه اوضاع آن محل را بررسی می‌کنیم و سپس از آن به نفع خود بهره می‌گیریم.

آدم عاقل کسی است که از سیل راه افتاده جویباری برای آبیاری مزرعه خود جدا کند نه آنکه در مسیر سیل قرار گیرد و دار و ندار خود را از دست بدهد. سه کشور شکست خورده جنگ جهانی دوم، آلمان، ژاپن و ایتالیا که همه چیز خود را از دست دادند و با خاک یکسان شدند (به ویژه آلمان) توانستند با پول دشمنان سابق خود و داشتن حکومت‌های آزاد و با به‌کارگیری خود و عقل ناب تحلیل‌گر ملت خود، نه تنها در اندک زمان مقام والاّی در اقتصاد جهان بدست آورند بلکه ژاپن و آلمان شکست دهندگان خود، (بجز آمریکا) فرانسه و انگلیس را پشت سر گذاشته و تبدیل به ابرقدرت اقتصادی جهان بشوند. امروز یک سوّم خودروهائی که در جاده‌های امریکا رفت و آمد می‌کنند ساخت ژاپن می‌باشند و در این مسیر، آلمان در پشت سر ژاپن در رده دوم قرار دارد.

چرا هنگ کنگ، کره جنوبی، سنگاپور و تایوان به بیرهای اقتصادی آسیا معروف و مشهور شده‌اند؟ سیاست‌های خارجی چگونه خوابشان برده است که کشورهای یاد شده ثروتمند

# شتاب فن آوری و آینده بشر

ترجمه و نگارش: دکتر سیروس لاسبری



شده اند؟؟؟

تاریخ خانه‌های اجدادی بعضی از ایرانیان از تاریخ امریکا بیشتر است. آیا همین نکته، بیانگر این نیست که می‌گوید:

به یزدان که ما گر خرد داشتیم      کجا این سرانجام بد داشتیم

بیشترین قسمت تاریخ ما حکایت از استبداد دارد. پادشاهی که فرزند خود را کور کند به افراد ملت چه رحمی خواهد کرد. این است که ملت ما پذیرای اعراب شدند و در مقابل مغول و چنگیز نیز مقاومت چندانی نکردند.

اگر چند صباحی حکومت‌های نسبتاً آزاد داشتیم، شاهد شکوفائی‌های علمی نیز شدیم و چند نفر دانشمند معروف، حاصل آن زمان‌ها می‌باشند ولی بطور کلی نتوانستیم در طول تاریخ دراز مدت خود آن طوری که باید و شاید خدمتی به جامعه بشریت انجام دهیم، یعنی ما نه یک میکروب کشف کرده‌ایم و نه شناساندن یک بیماری به اسم ایرانی ثبت شده است. نه یک عمل جراحی ابداع کرده‌ایم و نه یک وسیله رفاهی (بجز قالی که آنهم دهها رقیب دارد) به جهان عرضه کرده‌ایم.

تنها چیزی که در دیکتاتوری امکان پیشرفت داشته و دارد، شعر و خط است که فقط یک ذوق و استعداد طبیعی می‌خواهد و یک اطاق کوچک، پیشرفت در آن رشته‌ها را نباید به حساب

پیشرفت در دانش‌های کاربردی گذاشت.

ایرانی به سبب فشارهایی که همیشه بالای سرش بوده است خلاقیت خود را در اجرای برنامه‌های دراز مدت از دست داده است چون هیچوقت از فردای خود مطمئن نبوده است لذا فقط به فکر امروز است و بس و به این لحاظ همیشه تمام کارها را سنبل کرده و از این ستون به آن ستون فرج است گفته است. خلاصه این که تمام هوش، ذکاوت و استعداد ایرانی‌ها در طول تاریخ یا به هدر و یا به بیراهه رفته است و نتیجه همان می‌شود که هست. اکنون ژاپنی‌ها دیگر کارگران ایرانی را به خاطر تقلب‌هایی که کرده‌اند به کشور خود راه نمی‌دهند. چرا در آمریکا معروف شده است که اگر از ایرانی سند مالکیت کاخ سفید را که مقرّ اقامت رئیس جمهور آن جا می‌باشد بخواهند می‌رود و می‌آورد و ایرادی هم نمی‌توان برای آن سند پیدا کرد؟ این‌ها همه نشانهٔ نبوغ به بیراهه رفته ما می‌باشد در این گونه فرهنگ‌ها پایه‌های معنویت که مورد پرسش شما بود سست می‌شود و شیرازه از هم می‌پاشد. و انسانهای شریف و درست در اقلیت جا می‌گیرند.

**— رابطه انسان و فرهنگ در دنیای صنعتی کنونی به چه شکلی در خواهد آمد؟ با پیشرفت ارتباطات آیا مرزها از پی یکدیگر برداشته خواهند شد؟**

۲۷۲

با ارتباط دسته‌جمعی از طریق ماهواره، کامپیوتر و حتی فیلم و تلفن، فرهنگ‌های ملی و محلی کشورهای کوچک از بین خواهند رفت و فرهنگ غالب جایگزین آنها خواهد شد. زبان‌های ناتوان موجودیت خود را از دست خواهند داد. انگلیسی اگر زبان حاکم بر منظومه شمسی و یا خارج از آن نباشد، مسلماً زبان مسلط بر جوامع خواهد بود. با این روش، جهان ما غنای اولیه خود را از دست خواهد داد.

از چند سال پیش عده‌ای بر روی زبان انگلیسی کار می‌کنند تا با تغییر دادن زیر بنای آن سرعت ادای مطلب را ۲۰ برابر بیشتر از معمول امروز کنند و امیدوار هستند که در دراز مدت شاید سرعت آن را تا ۵۰ برابر سرعت فعلی بالا به بزنند با این کار بشر خواهد توانست مطالبی را که امروز در ۳۰ دقیقه بیان می‌کند در یک دقیقه ادا کند.

و اما از نظر مرزها، مرزهای هندسی ممکن است تا مدتی پا بر جا بمانند ولی محدودیت‌های آن برای کشورهای آزاد از مدت‌ها پیش از بین رفته است.

شما اگر از ایران به اروپا بروید در موقع ورود به آنجا پاسپورت شما را مهر می‌زنند ولی اگر بخواهید چندین بار از کشوری به کشور دیگر در اروپای متحد سفر کنید، پاسپورت شما راحتی نگاه هم نمی‌کنند.

از لحاظ مرزهای علمی، تجارت و صدها کار دیگر این مرزها دیگر مفهومی ندارند.

### — مختصری از شتاب فن‌آوری و نتایج آن سخن بگوئید؟

عصر ما دوران پرشتاب اطلاعات و فن‌آوری می‌باشد. حجم دانش اغلب رشته‌ها از جمله پزشکی هر ۶ - ۵ سال یکبار دو برابر می‌شود. در رشته کامپیوتر این تغییر در کمتر از ۱۸ ماه یکبار تکرار می‌شود. اگر شما تمام اختراعات بشر را از اول خلقت بشریت تا ۱۹۵۰ در یک جا جمع کنید کمتر از تحولاتی خواهد بود که در ۵۰ سال گذشته نصیب انسان شده است. خیلی‌ها عقیده دارند که ۲۵ سال آخر قرن گذشته پربارتر از همه قرن‌ها بوده است.

جهان ما سه انقلاب بزرگ علمی و اجتماعی را شاهد بوده است:

انقلاب اجتماعی اروپا «رنسانس»

انقلاب صنعتی دنیای غرب

و انقلاب ارقامی (کامپیوتر)

متأسفانه کشور ما از هیچکدام از آنها بهره کافی نبرده است.

اکنون یک انقلاب بسیار بسیار پرزور بر پایه آن سه انقلاب پیشین در راه است که جهان ما را زیر و رو خواهد کرد. هر کسی با موج سواری آشنا باشد، نه تنها از سوار شدن بر روی امواج خروشان آن لذت خواهد برد بلکه زودتر از سایرین به مقصد خواهد رسید. آنان که آشنا با ماجرا نیستند در مسیر این موج بسیار عظیم و قوی قرار خواهند گرفت و تا ژرفای اقیانوس خواهند رفت و چه بسا لاشه آنان نیز هرگز به سطح آب نخواهد آمد و گرفتار نهنگان دریا خواهد شد.

این انقلاب بسیار پر زور و قوی و بی‌مانند «انقلاب ژنتیک» است. بدون هیچگونه شک و تردید هیچ دسته اجتماعی و رشته‌ای از علم از اثرات آن بی‌نصیب نخواهد بود چه این رشته پزشکی باشد یا کشاورزی، داروسازی و تجارت و...

با انقلاب ژنتیک قسمتی از بیماری‌های امروزی بطور قطع درمان خواهد شد. پیوند اعضا همانند عوض کردن چرخ خودرو خواهد بود.

در حدود ۴ تا ۱۰ هزار داروی جدید وارد بازار خواهد شد و داروهای پیشین از گردونه خارج خواهند شد. با در نظر گرفتن این نکته که هزینه هر دارویی که وارد بازار فروش می‌شود به نرخ امروز در حدود ۵۰۰ میلیون دلار می‌باشد که قبلاً برای بررسی اثر آن خرج شده است، حساب سرمایه و سود برای ده هزار رقم دارو آسانتر می‌شود، تمام این بهره عاید صاحبان دانش خواهد بود و کشورهای بی‌سواد و عقب افتاده فقط مصرف کننده خواهند بود تا تولید کننده. امروز کاتالوگ هر دارو را که بخوانید از دهها عوارض خبر می‌دهد و چه بسا افراد بسیار محتاط، پس از



خواندن کاغذ مزبور از خوردن دارو منصرف می‌شوند ولی این عوارض نه برای همه افراد است و نه اثر آن بر روی افراد مشابه می‌باشد. با دانش ژنتیک با آزمایش بسیار ساده بر روی DNA این راز بر ملا و آشکار خواهد شد.

هر موجود زنده اعم از گیاه - میوه - حیوان - پرنده - حشره و... قابل تلفیق با هم خواهد بود یعنی با تلفیق سیب و پرتقال میوه دیگری درست خواهد شد و...

اکنون با استفاده از دانش ژنتیک از ذرت: لباس ضد گلوله، الیاف مصنوعی و قرص ضد حاملگی درست می‌کنند. از سایر محصولات نیز می‌توانند دهها چیز دیگر درست کنند. با مهندسی روی ژن‌ها در صنعت کشت پنبه، توانسته‌اند مقاومت محصول را در برابر حشرات بالا ببرند، ضمناً پیشرفت‌هایی در همان جهت بدست آمده که پارچه بافته شده از آن چروک بردار نباشد.

با دستکاری ژنتیکی که بر روی میوه‌ها انجام داده‌اند، میوه‌هایی را که از استرالیا و اسرائیل باری کشتی‌های اقیانوس پیما می‌کنند، پس از گذشت چند هفته آن فرآورده‌ها بدون آثار خرابی در امریکا به دست مصرف کننده می‌رسد، در مقابل باجناب من از کرج گلایی را از باغ خود و با دست خود از درخت می‌چیند و به تهران می‌آورد و در عرض ۴۸ ساعت در منزل ما خراب می‌شود. با این وصف رقابت کشاورز ناآشنا به علم وراثت در ایران و یا سایر کشورهای دیگر با کشاورز آشنا با دانش ژنتیک در استرالیا چگونه خواهد بود.

گفتی‌های از این قبیل زیاد است که در کتاب به آنها اشاره شده و از حوصله این دیدار خارج می‌باشد

### — بیشترین علت فرار مغزها را جنابعالی در چه عواملی می‌بینید؟

بهترین مغزهای متفکر و بیشترین پیشگامان صنعت و دانش می‌خواهند در جایی باشند که دستشان برای فعالیت باز باشد و به: امنیت قضائی و اجتماعی، اطلاعات، رقابت، احترام، مردم و پول دسترسی داشته باشند، لذا مهاجرت می‌کنند. بهر جا که رسیدند به ثروت آن ناحیه می‌افزایند و خود نیز بهره‌مند می‌شوند. دانشمندان علم و صنعت پاسپورت جهانی دارند. کشورهای پیشرفته با آغوش باز از آنها استقبال می‌کنند، به عبارت دیگر بازار آنان پر رونق بوده و خواهان بسیار دارند.

در دوران پیش از انقلاب شانزده هزار پزشک ایرانی در امریکا طبابت می‌کردند، و پنج هزار پزشک ایرانی در بقیه کشورهای دنیا پراکنده بودند، در آن زمان، در داخل مرزهای ایران فقط ۱۴ هزار پزشک داشتیم که دو هزار نفر از آنان در کار بهداشت و درمان نبودند و به کارهای مدیریت - کارخانه‌داری - کشاورزی و یا سیاست سرگرم بودند.

—سایر کشورها نیز به نسبت کم یا بیش از این گونه رویدادها به دور نبوده‌اند، چرا؟  
این رویدادها در زمان‌های گذشته هم دیده می‌شد ولی نه به شدت امروز شعرا و عرفای ما از همان زمان‌ها ماجرا را شرح داده‌اند. به عنوان مثال چند شاهد می‌آورم:

سعدیا حبّ وطن گرچه حدیثی است شریف نتوان مرد به سختی که من آنجا زادم  
سعدی

من که امروز بهشت نقد حاصل می‌شود وعده فردای زاهد را چرا باور کنم  
حافظ

ناچار دل از خانه بریدیم چو دیدیم در خانه بجز خانه برانداز کسی نیست  
وثوق‌الدوله

ما نه از مهر وطن بیگانه‌ایم رانده بیداد صاحب خانه‌ایم  
پروفیسور رضا

شعر پروفیسور رضا که بیش از ۵۰ سال پیش گفته است مانند ابیات بالا همه حکایت از این ماجرا دارد.

ثروت کشورهای ثروتمند و قوی مربوط به ذخیره ارزی زیاد، طلا و الماس و یا سرزمین‌های وسیع و مردم زیاد نمی‌باشد بلکه مربوط به افراد آموزش دیده و خلاق است. آنان به حکومتی احتیاج دارند که امنیت قضائی، سیاسی و اقتصادی را فراهم کند تا مغزهای آماده فرصت شکوفائی داشته باشد. در غیر اینصورت بتدریج از هم پاشیده می‌شوند و یا از بین می‌روند.

به عنوان مثال: تعداد اختراعات به ثبت رسید در آمریکا در سال ۱۹۹۱ میلادی ۴۰۰۰ فقره بود. در سال ۱۹۹۵ میلادی آن رقم به ۲۲/۰۰۰ و در سال ۱۹۹۶ میلادی به ۵۰۰/۰۰۰ فقره رسید. در این ماجرا مهاجرین خارجی سهم عمده‌ی داشتند. در سال ۱۹۷۰ میلادی ۴/۷ درصد جمعیت آمریکا در خارج از آمریکا متولد شده بودند، در سال ۲۰۰۰ میلادی این رقم به ۱۰/۴ درصد رسید. در سه سال گذشته ۶۰۰/۰۰۰ نفر صنعتگر خارجی اجازه ورود و کار در آنجا را گرفتند. ملاحظه می‌شود که در کار خوب تعصب و لجبابت از صحنه خارج می‌شوند و کشورهای که بخواهند قدرت خود را حفظ کرده و یا بیشتر کنند پذیرای ترک و تازی می‌شوند.

روح با علمست و با عقلست یار روح را بسا تازی و ترکی چکار  
مولانا

هفده سال است که از دوران المپیاد ریاضی ایران می‌گذرد و هر سال ۶ نفر در آن رشته انتخاب می‌شوند از مجموع ۱۰۲ نفر بهترین مغزهای ما فقط ۱۵ نفر در ایران مانده‌اند.  
در تاریخ ۲۷ آذر ۸۱ روزنامه همشهری، از قول آقای محمدجعفر صدیق مدیرکل امور پژوهشی سازمان مدیریت چنین نوشته بود:

«تمایل به خروج از کشور به سطح دانش‌آموزان دبیرستانی رسیده که این برای کشور یک فاجعه است».

برای فرار از بحران، برای کشورهای عقب مانده هیچ راهی جز پیاده کردن دانش و پیش برد آن، آن هم در محیط آزاد و پرقابلیت نیست در غیر این صورت آرزوی داشتن رفاه و آسایش از ما دور خواهد شد. تا زمانی که اجتماع دقت لازم در آموزش علمی اولاد خود نداشته باشد و سعی در جذب مغزهای متفکر خود و دنیا نکند نباید انتظار معجزه داشته باشد شاید شنیدن ماجرای بیدار شدن سنگاپور در سال‌های اخیر بی‌فایده نباشد:

در سال ۱۹۵۰ سنگاپور یک جزیره کوچک، منزوی و فقیر بود و تا ۱۹۶۵ حتی به رسمیت شناخته نشده بود. آینده آنجا به اندازه‌ای تاریک بود که رهبران جزیره به کشور مالزی رفتند و تقاضا کردند که سنگاپور یکی از ایالات مالزی بشود. رهبران مالزی درخواست آنان را قبول نکردند چون فکر کردند که ضمیمه کردن سنگاپور به مالزی حاصلی جز فقر و بدبختی نخواهد داشت. روزنامه‌های استرالیا و سایر کشورها مقالات ناامید کننده در رابطه با شرایط سنگاپور می‌نوشتند. برای سنگاپور راهی جز: باسواد کردن ملت خود، تجدید حکومت، جلب دانش از خارج، و کار کردن باقی نمانده بود. این کار به رهبری LEE KUAN YEW شروع شد. وی که با سمت مشاور و وکیل برای اتحادیه کارگری آنجا کار می‌کرد شغل خود را کنار گذاشت و به سود صنعتی کردن و سرمایه‌داری مملکت وارد کار شد. سعی خود را در آموزش و جمع کردن استعدادها متمرکز نمود. انگلیسی را زبان رسمی آنجا کرد. خارجی‌ها را برای سرمایه‌گذاری دعوت و تشویق کرد.

در سال ۱۹۷۵ سنگاپور بعنوان کشور پیشرو در ساختن وسایل الکتریکی شناخته شد. در سال ۱۹۸۵ درآمد سرانه آن‌ها به ۸/۱۱۶ دلار در سال رسید. در سال ۱۹۹۹ اهالی سنگاپور ۲ درصد بیشتر از انگلیسها (اربابان سابق خود) ثروتمند شدند. برای کشوری که تا سال ۱۹۶۰ حتی سرود ملی نداشت و نسل آن‌ها ۳ سرود مختلف: انگلیس، ژاپن و مالزی را در خاک خود شنیده بودند این پیشرفت‌ها واقعاً چشم‌گیر بود. امروز میزان رفاه زندگی سنگاپور برابر با مردم امریکا است. در سال ۱۹۹۵ کشور مالزی که قبلاً دست ردّ به سینه سنگاپور زده بود در رده‌بندی ثروت سرانه در ردیف ۸۲ در جهان جای داشت در صورتیکه سنگاپور به ردیف نهم در جدول رسیده است.

فرستادن دو خواهر ۲۷ ساله ایرانی، لاله و لادن، با سرهای بهم چسبیده به سنگاپور در سال گذشته را فراموش نکرده‌ایم هر چند نتیجه عمل موفقیت‌آمیز نبود ولی انتخاب سنگاپور برای انجام این عمل باید یادآور عمق پیشرفت شگفت‌آور آنجا باشد.

چین کمونیست نیز با دیدن همسایگان خود ژاپن، هنگ کنگ، تایوان، کره جنوبی و سنگاپور

بخود آمده و در همان مسیر قدم برمی‌دارد به ویژه هنگ کنگ و تایوان که هر دو جزو چین قدیم می‌باشند. و نژاد چینی دارند (هنگ کنگ با شرایط ویژه جزو چین شده است).

حکومت چین به دانشمندان چینی خارج از کشور که مایل به برگشت به چین باشند یک میلیون دلار به هر نفر پاداش نقدی می‌دهد. امنیت قضائی را برای جلب سرمایه‌های خارجی روبراه کرده است. لباس یک نواخت خود را کنار گذاشته و بازار تنوع لباس را آزاد کرده است. آمار سال گذشته بیانگر این نکته است که هر ماه در چین ۵ میلیون تلفن همراه به فروش رفته است هر چند فروش ۶۰ میلیون تلفن در سال در برابر انبوه جمعیت آن‌جا زیاد نمی‌باشد ولی نشان‌دهنده بارز از پیشرفت اقتصادی چین می‌باشد. صادرات چین به آمریکا به بالای ۱۷۰ میلیارد دلار در سال رسیده است. در تصاویری که دیروز در تلویزیون دیدم، در نمایشگاه خودروهای خارجی در چین جای سوزن انداختن نبود و بعضی از چینی‌ها به دنبال انتخاب و خرید ماشین دوم برای خانواده خود بودند. در سال ۱۹۹۸ از ۲/۷۷۵ نفر مدیران اجرائی شرکت‌های دره سیلیکان (محل بسیار مشهور از لحاظ شرکت‌های کامپیوتری در ایالت کالیفرنیا) <sup>۳</sup> هندی و یا چینی بودند و چینی‌ها بیشتر به دنبال این گونه افراد با تجربه و با دانش هستند تا منشاء اثر و پیشرفت در وطن خود باشند. کوتاه سخن این که: نسبت میانگین درآمد سرانه در کشورهای ثروتمند و فقیر که قبلاً ۵ به یک بود و در چندین سال اخیر به ۳۹۰ به یک رسیده است. در آینده با تکنولوژی اطلاعات - کوچک‌گرایی و انقلاب ژنتیک و... این نسبت به بیش از ۱۰۰۰ به یک خواهد رسید. برنامه‌های مبارزه با فقر اقتصادی که پایه علمی ندارند همانند چسب بر روی زخم می‌باشد و با درمان ارتباط ندارد.

کشورهائی که با افراد خود به عنوان شریک در سهام رفتار می‌کنند و نه به عنوان وسیله، وضع خوش آیندی خواهند داشت.

کشورهائی که اقتصاد علمی دارند و به حقوق انسانی افراد احترام می‌گذارند با انبوه مهاجر روپرو هستند.

برای پیش‌بینی آینده هر کشوری توجه به برنامه‌های سخنرانی‌های آنها کافی خواهد بود. آنان که راجع به فن‌آوری، وراثت، صنعت ذره‌بینی و کوچک‌گرایی و... صحبت می‌کنند آینده روشنی دارند.

تکنولوژی رحم ندارد، با کسی تعارف نمی‌کند و «خواهش می‌کنم» نمی‌گوید سراسیمه وارد می‌شود و ساختار کهنه را یک باره از میان برمی‌دارد. پیشرفت فن‌آوری به نحوی است که خبر کردن قربانیان آینده بسیار مشکل است سخن: اگر شما دانش صادر نکنید پیشرفت نخواهید کرد و اگر غافل باشید: حاصل عمر ز خود بی‌خبران آه بود. لذا:

من آنچه شرط بلاغ است با تو می‌گویم تو خواه از سختم پندگیر و خواه ملال

— جنابعالی علمی‌ترین مسایل را با ادبیات آمیخته می‌کنید که خیلی دقیق و بجا به کار می‌برید. با ادبیات فارسی در این سطح گسترده از کی آشنا شدید؟  
متأسفانه من، سواد فارسی، آنطوری که دلم می‌خواهد ندارم. کتاب‌های دوران دبستان ما گمراه‌کننده بود.

یادگیری زبان فارسی منحصر بود به ساعات درسی و در زنگ تفریح همه ترکی صحبت می‌کردیم. از کلاس چهارم ابتدائی، پدرم مرا وادار به خواندن روزنامه کرد یعنی چند بار در هفته هر بار به مدت نزدیک به یکساعت باید بعضی از نوشته‌های روزنامه‌های آن زمان را که محدود به اطلاعات و کیهان بود برای ایشان می‌خواندم آن هم با اکراه بسیار زیاد.

پدرم نشست‌هایی با برخی از دوستان خود داشتند که می‌توان اسم آن را جلسات ادبی گذاشت و من برای شنیدن حرف‌های ایشان به بهانه بردن چای — کاهو و سکنجبین — شربت و یا آب خنک وارد جلسه می‌شدم و از حرف‌هایشان لذت می‌بردم. در نوجوانی شیفته خواندن کلیله و دمنه، گلستان سعدی، دیوان پروین اعتصامی، ترجمه نهج‌البلاغه، حافظ و... به قدر فهم خود شده بودم پس از اتمام دوره دانشکده پزشکی برای دیدن دوره انترنی و تخصص راهی امریکا و در دانشگاه سراکیوس مشغول یادگیری شدم و در آن جا بود که سعادت آشنائی با پروفیسور رضا را که استاد دانشگاه در آنجا بودند پیدا کردم و از محضر ایشان کسب فیض نمودم.

این مجالست و موانست‌ها که از ۴۷ سال پیش آغاز شد، در هر فرصت بدست آمده تا به امروز ادامه داشته است. متأسفانه من هیچوقت فرصت ورود به گلزار ادب فارسی را پیدا نکرده‌ام و در حسرت آن هنوز هم می‌سوزم و می‌سازم:

خارِ ترم که تازه ز باغم دروده‌اند  
محروم بوستانم و مردود آتشم

(فصیحی هروی)

لذا اگر چند کلامی به حافظه سپرده‌ام از برکت راهنمایی پدر مرحوم خود و وجود پربار پروفیسور رضا که عمرش دراز باد بوده است.

همتِ پیران دلیل ماست هر جا می‌رویم  
قوتِ پرواز چون تیر از کمان داریم ما

(صائب)

و یا:

هر چند پر و بال نداریم چو شبم  
از پرتو خورشید بود بال و پر ما

(صائب)

— آیا پیامی برای خوانندگان یا گروه‌های دیگر دارید؟

چرا. پیامی برای ز عمای قوم و مسئولین امور دارم و آن این است:

اقلاً گوشه چشمی به کتابِ شتابِ فن‌آوری و آینده بشر داشته باشید، شاید بعضی از نکات آن به درد بخور باشد و شاید با آماده‌سازی محیط برای شکوفائی دانش، بتوانید بیش از سایرین از نیروی سازندگی و ظرفیت بی‌انتهای مغز جوانان در به‌سازی و پیشرفت کشور عزیزمان استفاده کنید و این غنچه‌های نورسیده داوطلبانه عطر شکوفائی خود را به جای غربت در سرزمین نیاکان خود به مشام ملت نجیب ولی رنج دیده و رنج کشیده خود برسانند ورنه بقول خواجهی کرمانی:

کاروان از پس و ره دور و حرامی در پیش      بار ما شیشه و شب تار و همه ره خرسنگ

#### انتشارات خجسته منتشر کرده است:

- لنین و لنینیسیم / دیوید شوب / محمد رفیعی مهرآبادی / ۴۸۰ ص / ۳۷۰۰ تومان
  - استالین و استالینیسیم / آلن وود / محمد رفیعی مهرآبادی / ۱۹۳ ص / ۱۵۰۰ تومان
  - موسولینی و فاشیسم / مارتین هورن / محمد رفیعی مهرآبادی / ۲۰۰ ص / ۱۶۰۰ تومان
  - مارکس و مارکسیسم / چارلز میلر / محمد رفیعی مهرآبادی / ۲۶۹ ص / ۲۱۰۰ تومان
  - تروتسکی و تروتسکیسم / آلکس کالینیکوس / محمد رفیعی مهرآبادی / ۲۱۵ ص / ۷۰۰ تومان
  - مائو و مائوئیسم / ون - شون چی / محمد رفیعی مهرآبادی / ۲۲۴ ص / ۱۸۰۰ تومان
  - هیتلر و نازیسم / دیک گیری / احمد شهسا / ۱۲۸ ص / ۱۰۰۰ تومان
  - فلسفه و انقلاب / رایا دونایفسکایا / حسن مرتضوی - فریدا آفاری / ۴۲۴ ص / ۳۴۰۰ تومان
  - از ترور شاه تا ترور سپهبد رزم‌آرا / ساسان ایمن‌آبادی / ۲۰۰ ص / ۱۸۰۰ تومان
  - سمفونی مهاجرت / مهدی اشتري / ۲۸۹ ص / ۲۵۰۰ تومان
  - رنگ عشق (شرح و تفسیر سه داستان از مثنوی) / دکتر اسماعیل شفق / ۲۰۸ ص / ۱۸۰۰ تومان
  - گزیده‌ی منطق‌الطیر (انگلیسی به فارسی) / ماناواز آلکساندریان / ۱۴۴ ص / ۱۳۰۰ تومان
  - گلستان سعدی / بازخوانی هیوا مسیح / ۲۶۱ ص / ۲۰۰۰ تومان
- خیابان انقلاب، مقابل دبیرخانه دانشگاه تهران، بازارچه کتاب.